پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) به من فرمودند: «بر من قرآن بخوان

عبدالله بن مسعود (رضی الله عنه) روایت می‌کند که: پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) به من فرمودند: «بر من قرآن بخوان»، عرض کردم: ای رسول الله! آیا بر شما بخوانم در حالی که قرآن بر شما نازل شده است؟ فرمودند: «آری»، پس سورۀ نساء را خواندم تا به این آیه رسیدم: {فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِن كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَـٰؤُلَاءِ شَهِيدًا} [النساء: 41]، (پس چگونه خواهد بود زمانی که از هر امتی گواهی آوریم و تو را بر این مردم گواه بگیریم)، فرمودند: «همین کافی است»، به سویش نگاه کردم، دیدم چشمانش اشکبار است.
[صحیح] [متفق علیه]

پیامبر (صلی الله علیه وسلم) از عبدالله بن مسعود خواستند تا قرآن بر ایشان تلاوت کند، ابن مسعود رضی الله عنه با شگفتی پرسید: چگونه بر شما بخوانم در حالی که قرآن بر شما نازل شده است؟ پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «من دوست دارم قرآن را از دیگری بشنوم»، هنگامی که به آیۀ {فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا...} رسید، [یعنی:] چه خواهد بود حال تو و حال امتت، هنگامی که تو را [در قیامت] به عنوان گواه بر امتت حاضر آوریم [تا گواهی دهی] که رسالت پروردگارت را به آنان ابلاغ کرده‌ای؟ در این هنگام، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: همین اندازه کافی است؛ [دیگر] قرائت مکن، عبدالله بن مسعود (رضی الله عنه) گفت: من به سوی آن حضرت روی کردم، و [دیدم] که دو چشمانش [از اشک] جاری است؛ از هیبت آن صحنه ی قیامت به لرزه افتاده، و از سر رحمت بر امت خویش می‌گرید.

http://www.sunnah.global/hadeeth/prs/show/3571